

## سومین قتل دهه هشتادی ها در یک شب

# نزاع خیابانی به جنایت انجامید

**سجاد پور** - در حالی که روز گذشته ارتکاب دو جنایت توسط جوانان دهه هشتادی در صفحه حوادث روزنامه خراسان نقش بست، چند ساعت بعد نیز ماجرای جنایی دیگری در بولوار طبرسی شمالی مشهد فاش شد که سومین قتل دهه هشتادی را در یک شب رقم زد. به گزارش روزنامه خراسان، شب پانزدهم خرداد، امدادگران اورژانس، پیکر نیمه جان جوان ۲۳ ساله ای را به بیمارستان هاشمی نژاد مشهد انتقال دادند که بر اثر ضربات متعدد چاقو مجروح شده بود

اماتلاش کادر درمانی برای نجات وی به نتیجه نرسید و این جوان در اتاق احیای اورژانس بیمارستان جان خود را از دست داد.
دقایقی بعد تحقیقات قضایی توسط قاضی صادق صفری آغاز و مشخص شد که «امیر حسین -س» (مقتول) و جوان ۲۰ ساله دیگری به نام «رسول -ر» درون کافه ای در طبرسی شمالی ۱۱ با یکدیگر درگیر شده اند که دقایقی بعد این درگیری به نزاع خیابانی کشید و جوان ۲۳ ساله با ضربات چاقوی طرف مقابل نقش بر زمین شد. گزارش

روزنامه خراسان حاکی است: در حالی که دستورات ویژه ای برای شناسایی مخفیگاه متهم به قتل فراری از سوی قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد صادر شده بود، «رسول -ر» از روستای شیرحصار به پاسگاه انتظامی رفت و خود را تسلیم قانون کرد. او چاقوی خون آلود(آلت قتاله) را نیز تحویل مأموران دادو سپس به پلیس آگاهی انتقال یافت تا بررسی های تخصصی در باره علت و انگیزه این نزاع مرگبار انجام شود.
شایان ذکر است چهاردهم خرداد دو قتل دیگر

## حکایت عجیب زنی که با صورت شکافته از چنگ مرگ گریخت

# ماجرای جن و خون!

### دیوان عالی کشور حکم زندان، شلاق و ديه مردبی رحم را تایید کرد

جارتند. در این هنگام «ایمان» به من گفت: تا ساعت ۱۱ شب می خواهم تور این

جانگه دارم و جن احضار کنم!

ولی من فقط با او التماس می کردم که اجازه بدهد از آن جابروم! در آن بیابان سوت و کور هیچ کس صدایم را نمی شنید و او هم توجهی به ترس و التماس هایم نمی کرد. بالاخره مرا سوار موتور سیکلت کردو به داخل ویرانه ای در همان اطراف برد. او باز هم سیکاری دیگری کشید. هوا تاریک و سرد بود که در یک لحظه تصمیم به فرار گرفتم. همه توانم را در پایهایم جمع کردم و پا به فرار گذاشتم اما هنوز ۳۰۰ یا ۴۰۰ متر بیشتر ندویده بودم که به خاطر تنگی نفس از حرکت ایستادم و دیگر نتوانستم به فرار ادامه بدهم چرا که نفسم بالا نمی آمد. در این هنگام «ایمان» از پشت سر با موتور سیکلت ر سید و با چاقو چند ضربه به سر و گردنم زد. خون از سر و صورتم بیرون می زد که بی حال روی زمین افتادم ولی او دست بردار نبود و با خشمی وحشتناک همچنان ضربات کار در ابر صورت و پیکرم فرود می آورد



به طوری که تیغه کارد گونه ام را شکافته بود و او همچنان بی رحمانه ضربات وحشتناک را بر نقاط مختلف بدنم می زد. او آخرین ضربه را بر شاهرگ گردنم فرود آورد و سوار بر موتور سیکلت از آن جا گریخت. من هم دیگر بر اثر شدت خونریزی چیزی نفهمیدم. حدود یک ساعت بعد به خاطر سردی هوا زمانی به هوش آمدم که خون همه پیکرم را فرا گرفته بود. مانند امار بیرون آوردم و آن را روی گردنم گذاشتم تا از خونریزی بیشتر جلوگیری کنم. سپس با سختی و در حالی که توانی نداشتم، خودم را از آرام با به نقطه ای کشاندم که گوشی تلفن آنتن می داد. وقتی گوشی آنتن داد، امید به نجات پیدا کردم با زحمت شماره همسر مرا گرفتم و نشانی جاده خاکی را به او دادم که مدتی بعد هم او از راه رسید و مرا از مرگ نجات داد. بنابر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، به دنبال اظهارات تکان دهنده این زن جوان، مرد ۲۸ ساله نیز در جایگاه متهم قرار گرفت تا به سوالات تخصصی و فنی قضات شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی پاسخ دهد. او پس از تفهیم اتهامات شروع به قتل عمدی، ایراد ضرب و جرح عمدی و شرب خمر از سوی قاضی دنیا دیده(رئیس دادگاه) به معرفی کامل خود پرداخت و در دفاع از اتهامات مذکور

**سید خلیل سجاد پور** - حکم سنگین قضایی مردبی رحمی که زنی متاهل را به بیابان های اطراف گلپهار کشانده و ماجرای هولناک را رقم زده بود، در حالی به تایید قضات دیوان عالی کشور رسید که زن جوان با گونه ای شکافته و شاهرگی بریده، از چنگ مرگ گریخت.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، نیمه شب بیست و هشتم فروردین ۱۴۰۰ به زن جوانی که ناباورانه از چنگ مرگ گریخته بود، در حالی که مانند ی خود را روی شاهرگ گردنش فشار می داد تا از خونریزی بیشتر جلوگیری کند، به سختی خود را به منطقه ای در اطراف شهر جدید گلپهار رساند که نمایشگر آنتن دهی را روی گوشی تلفن همراهش دید و در حالی که به خاطر گونه شکافته اش به زحمت سخن می گفت شماره همسرش را گرفت و نشانی بیابانی را داد که در آن جاهد ف ۸۰ ضربه چاقو قرار گرفته بود.

طولی نکشید که شوهر ف» سر اسیمه و هراسان خود را به جاده و رستایی رساند و پیکر خون آلود همسرش را به مرکز درمانی رساند. کادر پزشکی با دیدن اوضاع وحشتناک زنی که هدف ضربات متعدد چاقو قرار گرفته بود، بی درنگ اقدامات درمانی را آغاز کردند و بدین ترتیب این زن که تایک قدمی مرگ فته بود، در حالی زندگی دوباره یافت که چهره اش با وارد آمدن تیغه کارد، به طرز وحشتناکی تغییر کرده بود. گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با اعلام شکایت زن جوان از مرد ۲۸ ساله ای به نام «ایمان» پرونده ای در این باره تشکیل شد و در روند رسیدگی قضایی قرار گرفت چرا که زن مذکور مدعی بود، مرد ۲۸ ساله او را به قصد قتل به بیابان های اطراف گلپهار کشانده و هدف ضربات متعدد کارد قرار داده است. از سوی دیگر مردبی رحم نیز به کلانتری گلپهار رفت و خود را تسلیم قانون کرد. با توجه به اهمیت این ماجرای وحشتناک، بررسی های پلیسی و قضایی ادامه یافت و در نهایت این پرونده با صدور کیفر خواست در دادسرای عمومی و انقلاب گلپهار به شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد چرا که تحقیقات قضایی از یک ماجرای تکان دهنده حکایت می کرد.

بنابراین خیلی زود جلسه محاکمه به ریاست قاضی هادی دنیا دیده و مستشاری قاضی غلامرضا مصطفوی در مشهد برگزار شد و مرد ۲۸ ساله در حالی پای میز عدالت ایستاد که اظهارات تکان دهنده زن جوان، سکوت عجیبی را بر جلسه دادگاه حکم فرما کرد. او گفت: حدود یک سال قبل در یک شرکت تولیدی استخدام شدم و در آن جابرای اولین بار نگاهم در نگاه «ایمان» گره خورد. او هم در آن شرکت کاری می کردم به دلیل تخصصی که در رشته روان شناسی داشتم گاهی با او در پارک های چناران قرار ملاقات می گذاشتم و برای مشکلاتش او را راهنمایی می کردم. این دیدار ها ادامه یافت تا این که روزی پیامکی بر صفحه گوشی تلفنم نقش بست که مرا دعوت به دیداری در پارک لاله کرده بود. با دیدن این پیامک، بلافاصله با او تماس گرفتم و پذیرفتم که بعد از ظهر به پارک بروم! خلاصه وقتی در یکی از خیابان های گلپهار منتظر ایستادم او سوار بر یک دستگاه پراید و به همراه پسر خاله اش به دنبال ام آمد در یک لحظه دستم را پیچاند و به زور به صندلی عقب پرید انداخت. خودش هم کنار نشست و در حالی که گردنم را فشار می داد و تهدید می کرد از پسر خاله اش خواست تا حرکت کند. آن ها مرا به یک جاده خاکی در اطراف روستای آیتد بر دند و بعد از مصرف مشروبات الکلی، در حال استعمال سیگاری بودند که فرد موتور سوار دیگری به آن جا آمد. دقایقی بعد آن جوان موتور سوار به همراه پسر خاله ایمان سوار پرید شدند و از آن

## دستگیری مسافر قطار که

## ۱۶۵ بسته تریاک را بلعیده بود

پس از بررسی تردهای مشکوک یک مسافر راه آهن بین یزد و تهران، این متهم تحت نظر قرار گرفت و پس از دستگیری ۱۶۵ بسته تریاک بلعیده شده با لفافه به وزن بیش از یک کیلو و ۷۰۰ گرم از او کشف شد.
سردار ملکی بیان کرد: به ضمن هماهنگی با مرجع قضایی، متهم تحت نظر قرار گرفته و طی ۱۱ مرحله تعداد ۱۶۵ بسته به وزن یک کیلو و ۷۰۰ گرم مواد مخدر از نوع تریاک با لفافه از نامبر ده دفع، کشف و ضبط شد.
به گزارش رکننا: سردار حشمت اله ملکی فرمانده پلیس راه آهن فرماندهی یگان های انتظامی و حفاظتی فرا جا گفت: کارشناس معاونت مبارزه با مواد مخدر پلیس راه آهن کشور در پی انجام اقدامات اطلاعاتی مبنی بر تردد مشکوک یکی از مسافران سابقه دار در مسیر ریلی یزد به تهران و احتمال حمل مواد مخدر از جانب وی، پیگیری را در دستور کار خود قرار دادند. این مقام ارشد انتظامی ادامه داد: با اعلام این خبر که بر کنان پلیس راه آهن مسیر ریلی با اقدامات پلیسی، کنترل مسافران خروجی از قطار یزد انجام و این متهم شناسایی و دستگیری می شود. وی افزود: پس از انتقال متهم به یگان انتظامی پلیس، در بررسی های به عمل آمده پس از عکس برداری به وسیله دستگاه پادبی اسکنر بسته های متحدالشکل و مشکوک به مواد



در امتداد تاریکی

## قاچاقچی مر موز!

از محل سکونت فردی که مرا برای فروش مواد مخدر «گل» استخدام کرد هیچ اطلاعاتی ندارم چون او خیلی مر موزانه سعی می کرد به نشانی از مخفیگاهش دست نیابم اما می توانم اطلاعاتی را در اختیار پلیس بگذارم که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات جوان ۲۱ ساله ای است که به اتهام زورگیری و توزیع مواد مخدر در یکی از پارک های مشهد با هوشیاری نیروهای کلانتری شفا دستگیر شده بود. این جوان موتور سوار که در عملیات طرح ارتقای امنیت محله محور به چنگ قانون افتاد و یک دستگاه گوشی تلفن سرقتی به همراه مقادیری مواد مخدر از نوع «گل» در بازرسی بدنی از وی کشف شد، درباره ماجرای توزیع مواد مخدر بین جوانان و نوجوانان محله ابوطالب گفت: حدود ۳ ماه قبل در منطقه آزادشهر مشهد با فردی به نام «الف» آشنا شدم. آن روز ها بیکار بودم و مدام در خیابان ها پرسه می زدم تا حوصله ام سر نرود به همین خاطر هم با «الف» گرم گرفتم و او هم با تعارف یک نخ سیگار سر صحبت با مرا باز کرد. طولی نکشید که «الف» با چرب زبانی از سختی های زندگی و بیکاری سخن گفت و مرا ترغیب کرد تا با فروش «گل» به جوانان محل زندگی ام، پول «مفت» به دست آورم و به زندگی ام سر و سامانی بدهم! او چنان از تغییر وضعیت مالی و ثروت اندوزی یک شبه برایم تعریف کرد که من هم مشتاق شدم تا ره صدساله رایک شبه بروم و حداقل از این وضعیت بیکاری نجات پیدا کنم.

آن روز «الف» چند بسته مواد مخدر آماده فروش به من داد و من هم آن ها را به چند نفر از دوستانم فروختم. «الف» وقتی دید من خیلی راحت توانستم چند بسته را بفروشم، بیشتر از آنچه تصور می کردم به من پول داد و با تعریف و تمجید های فراوان مرا تشویق کرد تا هر روز از او مواد مخدر امانتی بگیرم و بعد از فروش در محله خود مان پولش را به او بازگردانم اما «الف» فردی مر موز بود و هیچ گاه نشانی محل سکونتش را به من نداد و تنها با من در خیابان امامت یا فضای سبز قرار می گذاشت. مدتی بعد قرار شد او به جای دستمزد یک دستگاه موتور سیکلت برایم بخرد تا من راحت تر بتوانم مواد مخدر را به جوانان و نوجوانان برسانم چرا که خیال می کردم این نوع مواد مخدر را فقط تفریحی و تفتنی مصرف می کنند و تنها مواد مخدر صنعتی مانند شیشه و کریستال، انسان را به توهم می اندازد و زندگی اش را به تباهی می کشاند!

خلاصه او برایم موتور سیکلت خرید و بعد هم یک گوشی تلفن در اختیارم گذاشت تا فقط با همان شماره تلفن با او تماس بگیرم! حتی «الف» یک قمه هم به من داد و ادعا کرد بعد از فروش مواد مخدر، پول زیادی با خودم حمل می کنم و باید چاقویی داشته باشم که اگر زورگیران به سراغم آمدند از خودم دفاع کنم اما من فریب خوردم و از سرقتی بودن گوشی هم اطلاعی نداشتم. از سوی دیگر حالا که در مرکز مشاوره کلانتری متوجه شدم چگونه آینده شانوار و نوجوانان هم محله های ام را تبا نه کرده ام بیشتر از گذشته عذاب وجدان گرفتم و از کرده خودم بسیار پشیمانم به همین خاطر هم حاضرم برای دستگیری «الف» با پلیس همکاری کنم ولی ای کاش ...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلانتری شفا) کنکاش های تخصصی نیروهای دایره مبارزه با مواد مخدر برای دستگیری دیگر افراد مرتبط با این پرونده آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



**روایت آگهی حصر وراثت**

نظر به اینکه آقای جلیل بزرگر دارای شناسنامه شماره ۶۷۷/۱۳۴۶۰۵ به شرح دادخواست به کلاس ۱۸/۰۲۰ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان جمعه گل بزرگر به شناسنامه ۵۹۳۶۱۳۷/۷۳۱ در تاریخ ۱۳۰۳/۰۳/۱۴ در اقامتگاه دائمی خود بجزرد زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم متعمر است به:

۱- خلیل بزرگر که ملی ۶۶۹/۷۳۱۴۶ به تاریخ تولد ۱۳۵۵/۰۶/۱۰ صادره تربیت جام- حسن آباد فرزند ۲- جلیل بزرگر که ملی ۶۷۷/۷۳۱۴۶ به تاریخ تولد ۱۳۵۵/۰۶/۰۴ تربیت جام حسن آباد فرزند ۳- بخت آور بزرگر جوب خم محمد درویشی که ملی ۷۳۲۲۶۵۶۳ به تاریخ تولد ۱۳۳۷/۰۷/۲۰ تربیت جام- رباط فرزند ۴- کبیر بزرگر که ملی ۷۳۲۲۹۴۳۱۲ به تاریخ تولد ۱۳۵۱/۰۱/۱۵ تربیت جام- حسن آباد آقابیک فرزند

ایک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۲۴مق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد. شناسمه ۱۷۳۵۰۸۰ به الف ۲۹۱

**قاضی شورا - شعبه اول شورای حل اختلاف شهرستان تربت جام**

www.mozdayehmonaghasea.com

۰۲۱-۴۱۵۰۵۴۳۵

پخش و تبلیغات

## بازداشت اشتباهی

# برادر دوقلوی قاتل فراری در تهران

اما بعد مشخص شد او برادر دوقلوی عامل جنایت است. وی می گفت که اختلاف برادر و پسر دایی اش به خاطر ۵ میلیون تومان پول بوده است و به خاطر این بدهی، چندین بار با هم درگیر شده بودند تا این که روز حادثه برادر دوقلوی وی در درگیری، جان پسر دایی اش را گرفته و گریخته است. تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه قاتل فراری و دستگیری وی از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت ادامه دارد.

عامل جنایت نیز پس از قتل فرار کرده بود اما تحقیق از شاهدان و بازبینی تصاویر دوربین های مدار بسته هویت قاتل را فاش کرد و نشان داد که وی، پسر عمه مقتول بوده است. آن ها با یکدیگر اختلاف مالی ۵ میلیونی داشتند که ماموران در ادامه، با به دست آوردن نشانی محل کار وی که ساختمانی نیمه کاره بود، راهی آن جاشدند و متهم ۱۹ ساله را دستگیر کردند.

پسری جوان به اتهام قتل پسر دایی اش دستگیر شد اما بعد معلوم شد برادر دوقلوی او مرتکب جنایت شده و گریخته است. به گزارش رکننا، ظهر دوازدهم خرداد ماه به پلیس پایتخت خبر رسید پسری جوان با ضربات چاقو به قتل رسیده است. مقتول که با خانواده اش در تهران زندگی می کرد در یکی از خیابان های پایتخت با قاتلش درگیر شده و به قتل رسیده بود.

## طرح ضربتی پلیس با خودروهای متخلف

**تو کلی** - طرح ضربتی بر خورد پلیس با خودروهای دور دور کننده در رفسنجان اجرا شد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی شهرستان رفسنجان از اجرای طرح ضربتی بر خورد پلیس با خودروهای دور دور کننده خبر داد و بیان کرد: در نتیجه اجرای این طرح ۴۲ وسیله نقلیه توقیف شد و سر نشینان آنان به مرجع قضایی معرفی شدند. سرهنگ امیری به سبتکی اظهار کرد: در پی انجام حرکات غیر مجاز، لایبی کشی، ایجاد آلودگی صوتی و رفتار های هنجار شکنانه برخی رانندگان و راکبان خودرو و موتور سیکلت در ساعات پایانی شب در خیابان های اصلی شهر، طرح بر خورد با این افراد در دستور کار این فرماندهی قرار گرفت. وی افزود: با اجرای این طرح خودرو و موتور سیکلت رانندگانی که با هنجار شکنی موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی و آرامش فردی و اجتماعی شده بودند توقیف شد و طی بازرسی صورت گرفته از خودرو ها مقادیری سلاح سرد از جمله چاقو و قمه کشف شد.